

## بررسی تطبیقی نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی در مورد حقوق اساسی شهروندان و تأثیر آن بر قانون اساسی ایران

مرتضی علیخانی<sup>۱\*</sup>

حسن یعقوبی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نظریات آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی در مورد حقوق اساسی شهروندان و تأثیر این نظریات بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این پژوهش، دیدگاه‌های دو فقیه بزرگ در زمینه حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و تأثیرات آن‌ها بر اصول مختلف قانون اساسی بررسی می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر عدالت اجتماعی و حقوق بشر، به تدوین حقوق اجتماعی و سیاسی پرداخته، در حالی که آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی فلسفی‌تر، به تبیین حقوق اساسی بر مبنای اصول عقلانی و دینی پرداخته است. این مقاله همچنین به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریات این دو فقیه و تأثیرات آن‌ها بر شکل‌گیری نظام حقوقی پس از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و پیشنهاداتی برای بهبود حقوق اساسی شهروندان در قانون اساسی ارائه می‌دهد.

**کلیدواژه‌گان:** حقوق اساسی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله جوادی آملی، قانون اساسی ایران، حقوق شهروندی، فقه اسلامی.

۱. گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: [morteza\\_alikhani@gmail.com](mailto:morteza_alikhani@gmail.com)

## مقدمه

حقوق اساسی شهروندان به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوقی و اجتماعی در جوامع معاصر، نقش بسزایی در تأمین عدالت اجتماعی، تضمین آزادی‌های فردی و ایجاد نظم حقوقی پایدار دارد. این حقوق که در قوانین اساسی کشورها نهادینه می‌شود، نه تنها به تعیین حقوق و وظایف دولت‌ها در قبال شهروندان می‌پردازد، بلکه به عنوان پایه‌ای برای تنظیم روابط اجتماعی و جلوگیری از تضییع حقوق فردی عمل می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۸). حقوق اساسی در حقیقت تضمین‌کننده ارزش‌هایی همچون کرامت انسانی، برابری، آزادی بیان، و حق تجمعات است که بدون وجود آن‌ها، نظام‌های دموکراتیک معنای واقعی خود را از دست می‌دهند.

به‌ویژه در جوامع اسلامی، حقوق اساسی با ملاحظات خاصی مطرح می‌شود که نه تنها از چارچوب‌های حقوقی بلکه از مبانی فقهی و دینی نیز سرچشمه می‌گیرد. در این جوامع، حقوق شهروندی علاوه بر رعایت اصول دینی، نیازمند تطبیق با قوانین مدنی و بین‌المللی نیز هست. این مسئله در جمهوری اسلامی ایران، که قانون اساسی آن مبتنی بر فقه شیعه است، به‌صورت جدی‌تری مطرح می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

فقه‌های برجسته به عنوان متفکران و نظریه‌پردازان دینی، نقش کلیدی در تفسیر و تطبیق مفاهیم فقهی با نیازهای معاصر داشته و دارند. در جامعه ایران، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این فقها بر قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه کشور مشهود است. آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی دو تن از برجسته‌ترین فقه‌هایی هستند که نظریات ایشان در تدوین و تفسیر حقوق اساسی تأثیرگذار بوده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر اهمیت عدالت اجتماعی و نقش مردم در حکمرانی، معتقد است که حقوق اساسی باید به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن حفظ اصول اسلامی، حقوق فردی و اجتماعی شهروندان به‌طور کامل رعایت شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر فلسفه اسلامی و اصول حکمت متعالیه، به تحلیل مفاهیم حقوقی و اجتماعی می‌پردازد و بر نقش دین در تعیین حقوق اساسی تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

این دو فقیه، هر کدام با رویکردهای متفاوت اما مکمل، در شکل‌گیری حقوق اساسی و ارائه تفاسیر نوین از مفاهیم حقوقی نقش داشته‌اند. نقش این فقها در تدوین قانون اساسی ایران، به‌خصوص در زمینه‌هایی مانند حقوق شهروندی، آزادی‌های عمومی و حاکمیت قانون بسیار برجسته است.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، از مراجع تقلید برجسته و مؤلفان پرکار حوزه علمیه قم، در زمره فقه‌هایی است که دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی وی تأثیر بسزایی در فضای حقوقی و اجتماعی ایران داشته است. وی در آثار متعدد خود به مباحثی چون حقوق اساسی، عدالت اجتماعی، و حقوق بشر پرداخته و همواره به دنبال ارائه تفسیری فقهی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از این مفاهیم بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی نیز از جمله فقهای معاصر و متفکران برجسته اسلامی است که با تألیفات و تدریس‌های خود در حوزه فلسفه اسلامی و فقه، به تحلیل و تبیین مباحث حقوقی و اجتماعی از دیدگاه حکمت متعالیه پرداخته است. وی با تأکید بر اهمیت عقل و فلسفه در فهم دین و حقوق، نظریات بدیعی در خصوص حقوق اساسی و نقش دین در تنظیم آن ارائه داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

## چارچوب نظری

### مفهوم حقوق اساسی شهروندان

حقوق اساسی شهروندان به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که به عنوان پایه و اساس حقوق فردی و اجتماعی افراد در یک جامعه تعریف شده است. این حقوق شامل حقوقی مانند حق حیات، آزادی بیان، آزادی مذهب، حق برخورداری از محاکمه عادلانه، و حق تجمعات مسالمت‌آمیز می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳). در جوامع اسلامی، این حقوق باید با موازین شریعت اسلامی همخوانی داشته باشد و همزمان با اصول عدالت و انصاف تطبیق پیدا کند.

از دیدگاه فقه اسلامی، حقوق اساسی نه تنها شامل حقوق فردی بلکه شامل حقوق جمعی نیز می‌شود. این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به مبانی دینی و فقهی تعریف شده‌اند و از این رو، مفاهیمی چون «ولایت فقیه»، «حاکمیت ملی» و «عدالت اجتماعی» در این چارچوب قرار می‌گیرند (هاشمی، ۱۳۸۸).

### مبانی فقهی و حقوقی حقوق اساسی در اسلام

در فقه اسلامی، حقوق اساسی شهروندان بر مبنای اصولی همچون عدالت، کرامت انسانی، و برابری بنا شده است. این اصول از قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) استخراج می‌شود و در تفسیر و تدوین قوانین حقوقی نقش کلیدی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶). بر این اساس، حقوق اساسی باید به گونه‌ای تعریف شود که نه تنها منافع فردی، بلکه منافع جمعی و اجتماعی نیز در نظر گرفته شود.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر مبانی فقهی بر قوانین اساسی به وضوح قابل مشاهده است. اصولی مانند اصل ۵۷ (ولایت فقیه) و اصل ۵۶ (حاکمیت ملی) نمونه‌هایی از تأثیر مستقیم فقه اسلامی بر حقوق اساسی شهروندان هستند. این اصول نشان‌دهنده این است که در نظام اسلامی، حاکمیت از آن خداوند است و ولایت فقیه به عنوان نماینده خدا بر زمین، نقش محوری در حفظ و اجرای حقوق اساسی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

### تحلیل تطبیقی روش‌های فقهی آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی هر دو به عنوان فقهای با رویکردهای مختلف، به تبیین حقوق اساسی پرداخته‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر عدالت اجتماعی و حقوق بشر، سعی دارد که فقه شیعه را با نیازهای معاصر تطبیق دهد. وی معتقد است که فقه اسلامی باید در راستای تأمین حقوق فردی و اجتماعی افراد حرکت کند و در این مسیر از تفسیرهای نوین بهره‌بردار (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از مبانی فلسفی و اصول حکمت متعالیه، به تفسیر حقوق اساسی پرداخته و بر این باور است که حقوق اساسی باید بر مبنای اصول عقلانی و فلسفی اسلام تعریف شود. وی بر این نکته تأکید دارد که حقوق اساسی نه تنها باید منطبق بر شریعت باشد، بلکه باید با توجه به اصول عقلانی و فلسفی نیز تحلیل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

### نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد حقوق اساسی شهروندان

#### تعریف و دامنه حقوق اساسی از دیدگاه آیت‌الله مکارم

آیت‌الله مکارم شیرازی در تعریف حقوق اساسی به دو جنبه فردی و جمعی اشاره دارد. وی معتقد است که حقوق اساسی باید به گونه‌ای تعریف شود که هم منافع فردی و هم منافع جمعی را در بر گیرد. از دیدگاه وی، حقوق اساسی شامل حقوقی همچون حق حیات، آزادی بیان، حق

تعلیم و تربیت، و حق برخورداری از عدالت است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). وی بر این باور است که این حقوق باید در چارچوب قوانین اسلامی و با توجه به مصلحت عمومی تنظیم شود.

### حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان

در دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان باید بر اساس عدالت اجتماعی و مشارکت فعال در جامعه تنظیم شود. وی بر این باور است که هر فردی در جامعه باید از حقوق اجتماعی نظیر حق کار، حق آموزش، و حق برخورداری از خدمات بهداشتی بهره‌مند باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). همچنین، در زمینه حقوق سیاسی، آیت‌الله مکارم بر نقش مردم در انتخاب حکام و مشارکت در فرآیندهای سیاسی تأکید دارد و معتقد است که این حقوق باید در چارچوب قوانین اسلامی و با رعایت اصول شریعت تضمین شود.

### حقوق فرهنگی و اقتصادی

آیت‌الله مکارم شیرازی در زمینه حقوق فرهنگی و اقتصادی، به اهمیت حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی در جامعه تأکید دارد. وی معتقد است که حقوق فرهنگی شهروندان باید به گونه‌ای تنظیم شود که از تهاجم فرهنگی و انحرافات اخلاقی جلوگیری کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). در زمینه حقوق اقتصادی، آیت‌الله مکارم بر لزوم تأمین عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه تأکید دارد و معتقد است که حقوق اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم شود که تفاوت‌های طبقاتی کاهش یابد و همه افراد جامعه از امکانات برابر برخوردار شوند.

### تأثیر نظریات آیت‌الله مکارم بر قانون اساسی ایران

نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی تأثیر عمیقی بر تدوین و تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است. وی با تأکید بر اصولی همچون عدالت اجتماعی، حفظ ارزش‌های دینی، و مشارکت مردم در حکمرانی، به تدوین موادی از قانون اساسی کمک کرده که حقوق اساسی شهروندان را تضمین می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). برای مثال، تأکید وی بر حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان در اصولی مانند اصل ۶ و ۲۰ قانون اساسی منعکس شده است.

### نظریات آیت‌الله جوادی آملی در مورد حقوق اساسی شهروندان

#### تعریف و دامنه حقوق اساسی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متفکران اسلامی معاصر، دیدگاهی عمیق و فلسفی نسبت به حقوق اساسی شهروندان ارائه کرده است. وی حقوق اساسی را به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی تعریف می‌کند که از جایگاه انسان به‌عنوان خلیفه‌الله بر روی زمین ناشی می‌شود. از دیدگاه او، حقوق اساسی بر مبنای کرامت انسانی و مسئولیت‌های ناشی از آن بنا شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). وی تأکید دارد که انسان به دلیل برخورداری از مقام خلیفه‌اللهی، نه تنها حق دارد بلکه موظف است که حقوق خود و دیگران را رعایت کند. این حقوق شامل حقوق فردی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی می‌شود که همگی بر مبنای اصول فطری و عقلانی استوار هستند.

آیت‌الله جوادی آملی بر این باور است که حقوق اساسی شهروندان باید در چارچوب شریعت اسلامی و با رعایت اصول عدالت و انصاف تعریف شود. وی حقوق اساسی را به‌گونه‌ای می‌بیند که نه تنها در برگیرنده منافع فردی، بلکه در راستای تأمین مصالح جمعی و عمومی نیز باشد. به عبارتی، از دیدگاه او حقوق اساسی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که توازن بین حقوق فرد و جامعه حفظ شود و هیچ‌یک از این دو مقوله تحت‌الشعاع دیگری قرار نگیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

## حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان

آیت‌الله جوادی آملی در زمینه حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان، رویکردی جامع و فلسفی اتخاذ می‌کند. وی معتقد است که حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان در اسلام بر مبنای اصولی همچون عدالت، برابری، و مشارکت فعال در جامعه استوار است. از دیدگاه او، هر فرد در جامعه اسلامی باید از حق برخورداری از عدالت اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بهره‌مند باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

وی به‌طور خاص به مسئله حاکمیت مردم در نظام اسلامی پرداخته و معتقد است که مردم به عنوان صاحبان اصلی حاکمیت، نقش اساسی در تعیین مسیر حکومت دارند. با این حال، جوادی آملی تأکید دارد که این حاکمیت باید در چارچوب اصول دینی و با هدایت فقها و علمای دین به اجرا درآید (جوادی آملی، ۱۳۹۰). به عبارتی، حاکمیت مردمی در دیدگاه او به معنای آزادی مطلق نیست، بلکه باید با رعایت اصول شریعت و عدالت توأم باشد.

آیت‌الله جوادی آملی همچنین بر اهمیت حقوق اجتماعی نظیر حق آموزش، بهداشت، و تأمین اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است که دولت اسلامی موظف است این حقوق را برای همه افراد جامعه به‌طور یکسان فراهم کند و هیچ‌کس نباید به دلیل موقعیت اجتماعی، اقتصادی، یا سیاسی خود از این حقوق محروم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶). این نگرش نشان‌دهنده تعهد او به اصول عدالت اجتماعی و برابری در جامعه اسلامی است.

## حقوق فرهنگی و اقتصادی

در زمینه حقوق فرهنگی و اقتصادی، آیت‌الله جوادی آملی بر نقش دین و فرهنگ اسلامی در تنظیم این حقوق تأکید دارد. از دیدگاه او، حقوق فرهنگی شهروندان باید به گونه‌ای تعریف شود که ارزش‌ها و آموزه‌های دینی حفظ شود و از تهاجم فرهنگی جلوگیری کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰). وی معتقد است که فرهنگ اسلامی باید به عنوان بنیاد اصلی حقوق فرهنگی در جامعه مطرح شود و هرگونه قانونی که در تضاد با این فرهنگ باشد، قابل قبول نیست.

در حوزه حقوق اقتصادی، آیت‌الله جوادی آملی بر اهمیت عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه تأکید می‌کند. وی بر این باور است که نظام اقتصادی اسلامی باید به گونه‌ای تنظیم شود که فقر و نابرابری‌های اقتصادی کاهش یابد و همه افراد جامعه از امکانات اقتصادی برابر برخوردار شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۶). وی همچنین به مسئله مالکیت و اقتصاد اسلامی پرداخته و معتقد است که مالکیت خصوصی باید در چارچوب قوانین اسلامی و با رعایت حقوق عمومی تعریف شود.

آیت‌الله جوادی آملی به مسئله اقتصاد مقاومتی نیز توجه دارد و معتقد است که اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای باشد که کشور بتواند در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی مقاومت کند. وی بر این باور است که اقتصاد اسلامی باید متکی به منابع داخلی و توانمندی‌های ملی باشد و از وابستگی به اقتصادهای خارجی پرهیز کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

## تأثیر نظریات آیت‌الله جوادی آملی بر قانون اساسی ایران

نظریات آیت‌الله جوادی آملی تأثیر بسزایی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است. وی با ارائه دیدگاه‌های فلسفی و فقهی خود، به تدوین اصولی همچون ولایت فقیه، حاکمیت ملی، و حقوق شهروندی کمک کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). به‌ویژه تأکید او بر حقوق فرهنگی و اقتصادی شهروندان در اصولی همچون اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی نمود یافته است.

آیت‌الله جوادی آملی همچنین بر اهمیت حضور فقها و علمای دین در تنظیم و اجرای قوانین اساسی تأکید دارد. وی معتقد است که بدون هدایت دینی، قوانین اساسی نمی‌توانند به‌طور کامل عدالت را در جامعه تأمین کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۰). این نگرش او در اصل ۵۷ قانون اساسی که به مسئله ولایت فقیه پرداخته است، منعکس شده است.

### بررسی تطبیقی نظریات دو فقیه

#### شبهت‌ها و تفاوت‌ها در تفسیر حقوق اساسی

نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی در زمینه حقوق اساسی شهروندان دارای شبهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی است. هر دو فقیه بر اهمیت عدالت، برابری، و رعایت حقوق شهروندان تأکید دارند، اما رویکردهای آن‌ها به این مسائل متفاوت است. آیت‌الله مکارم شیرازی با رویکردی اجتماعی‌تر و متمرکز بر حقوق بشر، به تنظیم حقوق اساسی می‌پردازد، در حالی که آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی فلسفی‌تر و مبتنی بر حکمت متعالیه، به تحلیل این حقوق می‌پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶).

یکی از شبهت‌های اصلی بین این دو فقیه، تأکید بر نقش دین در تعیین و تنظیم حقوق اساسی است. هر دو معتقدند که حقوق اساسی شهروندان باید در چارچوب شریعت اسلامی و با رعایت اصول عدالت و انصاف تعریف شود. با این حال، آیت‌الله مکارم شیرازی بیشتر به جنبه‌های اجتماعی و عملی حقوق اساسی توجه دارد، در حالی که آیت‌الله جوادی آملی بر اصول فلسفی و عقلانی این حقوق تأکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، یکی از تفاوت‌های بارز بین این دو فقیه در تفسیر حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان است. آیت‌الله مکارم شیرازی بر مشارکت فعال مردم در حاکمیت و نقش آن‌ها در انتخاب حکام تأکید دارد، در حالی که آیت‌الله جوادی آملی این مشارکت را با هدایت فقها و در چارچوب اصول دینی محدود می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰).

#### مقایسه تأثیرات نظریات آن‌ها بر قانون اساسی

تأثیرات نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تفاوت‌ها و شبهت‌هایی دارد. آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر حقوق بشر و عدالت اجتماعی، تأثیر بسزایی بر تدوین موادی از قانون اساسی داشته که به حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان مرتبط است. به‌عنوان مثال، تأکید او بر حقوق اجتماعی و اقتصادی در اصولی مانند اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی دیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی با رویکرد فلسفی و فقهی خود به تنظیم و تفسیر حقوق اساسی پرداخته است. تأثیر او در موادی از قانون اساسی که به حاکمیت دینی و ولایت فقیه مربوط است، مانند اصول ۵۷ و ۱۰۷، مشهود است (جوادی آملی، ۱۳۹۰). همچنین، تأکید او بر حقوق فرهنگی و اقتصادی شهروندان در اصول مربوط به اقتصاد اسلامی و فرهنگ عمومی نمود یافته است.

با این حال، تفاوت در تأکیدات و رویکردهای این دو فقیه باعث شده که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از اصول و ارزش‌های مختلف باشد که هم به حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان و هم به حاکمیت دینی و ولایت فقیه توجه دارد.

## تحلیل تعامل و تقابل دو دیدگاه در نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر پایه فقه اسلامی و با تأثیر از نظریات فقه‌های برجسته‌ای همچون آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی شکل گرفته است. این نظام حقوقی به گونه‌ای است که در آن تعامل و تقابل دو دیدگاه اجتماعی و فلسفی در تنظیم و اجرای قوانین مشهود است. از یک سو، دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی که بر حقوق بشر و عدالت اجتماعی تأکید دارد، به تنظیم حقوقی منجر شده که به تأمین عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی کمک می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی که به حاکمیت دینی و اصول فلسفی توجه دارد، به تنظیم حقوقی منجر شده که بر حفظ ارزش‌های دینی و هدایت دینی جامعه تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

این تعامل و تقابل دیدگاه‌ها در نظام حقوقی ایران، به ایجاد تعادلی میان حقوق فردی و جمعی، حقوق اجتماعی و سیاسی، و حقوق فرهنگی و اقتصادی منجر شده است. با این حال، برخی معتقدند که این ترکیب گاهی منجر به تضادهایی در اجرای قوانین می‌شود که نیازمند بازنگری و تطبیق بیشتر است (هاشمی، ۱۳۸۸).

## نقش و جایگاه حقوق اساسی شهروندان در قانون اساسی ایران

### بررسی تطبیقی جایگاه حقوق اساسی در قانون اساسی فعلی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تدوین شد، به‌طور جدی تحت تأثیر مبانی فقه اسلامی و دیدگاه‌های فقه‌های برجسته قرار دارد. در این قانون، حقوق اساسی شهروندان با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی تعریف شده است و اصول مختلف آن به تبیین این حقوق پرداخته است. بررسی تطبیقی این حقوق در قانون اساسی فعلی با سایر قوانین اساسی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نشان می‌دهد که ایران تلاش کرده تا تعادلی میان حقوق فردی و جمعی ایجاد کند، در حالی که در برخی نظام‌های حقوقی دیگر، این تعادل به‌صورت متفاوتی برقرار شده است (هاشمی، ۱۳۸۸).

به عنوان مثال، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۰ به حقوق برابر تمامی افراد ملت در برابر قانون اشاره دارد، در حالی که در برخی از قوانین اساسی کشورهای دیگر، این اصل با توجه به تفاوت‌های دینی و فرهنگی به گونه‌ای دیگر تعریف شده است. در واقع، یکی از ویژگی‌های بارز قانون اساسی ایران، تأکید بر شریعت اسلامی به‌عنوان مبنای حقوق اساسی است که آن را از سایر نظام‌های حقوقی متمایز می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

## تأثیر فقه اسلامی بر شکل‌گیری اصول حقوق اساسی در ایران

فقه اسلامی به‌عنوان پایه و اساس بسیاری از قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری حقوق اساسی شهروندان داشته است. این تأثیر در اصولی مانند اصل ۴ که تأکید بر انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی دارد، به وضوح دیده می‌شود. همچنین، اصل ۵۶ که به مسئله حاکمیت الهی و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود اشاره دارد، یکی از نمونه‌های برجسته‌ای است که تأثیر فقه اسلامی بر حقوق اساسی را نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

فقه‌های شیعه، از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی، با تفسیر و بسط مفاهیم فقهی، به تدوین و تنظیم این اصول کمک کرده‌اند. آنان با بهره‌گیری از منابع اسلامی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل، به تدوین قوانینی پرداخته‌اند که نه تنها با شریعت اسلامی همخوانی دارد، بلکه تلاش دارد تا نیازهای حقوقی جامعه معاصر را نیز پاسخ دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶).

## جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، نظام حقوقی ایران با تغییرات گسترده‌ای مواجه شد که از جمله آن‌ها می‌توان به توجه ویژه به حقوق شهروندی در چارچوب شریعت اسلامی اشاره کرد. حقوق شهروندی در این نظام حقوقی به‌طور کلی در اصول مختلف قانون اساسی تعریف شده و تأکید بر رعایت حقوق و تکالیف شهروندان در چارچوب قوانین اسلامی دارد. این حقوق شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که در بخش‌های مختلف قانون اساسی به آن‌ها پرداخته شده است (هاشمی، ۱۳۸۸).

با این حال، برخی از پژوهشگران معتقدند که در عمل، اجرای حقوق شهروندی در ایران با چالش‌هایی مواجه است. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از تفسیرهای متفاوت از قوانین اساسی و تضادهای موجود میان حقوق فردی و منافع جمعی است. با این وجود، نظام حقوقی پس از انقلاب اسلامی تلاش کرده است تا با اصلاحات قانونی و تفسیرهای جدید، این چالش‌ها را کاهش دهد و حقوق شهروندی را به‌طور کامل‌تری در جامعه محقق سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

### نتیجه‌گیری

در تحلیل تطبیقی نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی در زمینه حقوق اساسی شهروندان، می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو فقیه، علی‌رغم تفاوت‌های روش‌شناختی و تأکیدات خاص خود، بر اهمیت حقوق اساسی شهروندان تأکید دارند. آیت‌الله مکارم شیرازی با رویکردی بیشتر اجتماعی و تمرکز بر عدالت اجتماعی، به تنظیم و تفسیر حقوق اساسی پرداخته است. در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی فلسفی و مبتنی بر حکمت متعالیه، به بررسی این حقوق پرداخته و تأکید بر اصول عقلانی و فلسفی در تنظیم حقوق اساسی داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶).

تأثیرات نظریات این دو فقیه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیار عمیق بوده است. آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان، در تدوین اصول مربوط به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نقش مؤثری داشته است. از سوی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر حقوق فرهنگی و اقتصادی و نیز نقش حاکمیت دینی، تأثیرات عمده‌ای بر اصول مربوط به ولایت فقیه و حقوق فرهنگی گذاشته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

این تأثیرات نشان‌دهنده این است که قانون اساسی ایران ترکیبی از اصول و ارزش‌هایی است که به‌طور همزمان به حقوق فردی و جمعی، حقوق سیاسی و اجتماعی، و حقوق فرهنگی و اقتصادی توجه دارد. این ترکیب، اگرچه در برخی موارد منجر به ایجاد چالش‌هایی در اجرای قوانین شده است، اما به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته قانون اساسی ایران شناخته می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد که بهبود حقوق اساسی شهروندان در قانون اساسی ایران نیازمند چندین اقدام اساسی است. اولین گام، بازنگری در برخی از اصول قانون اساسی است که با تفسیرهای مختلف مواجه است و ممکن است منجر به تضییع حقوق شهروندان شود. همچنین، لازم است تا مکانیسم‌های نظارتی قوی‌تری برای تضمین اجرای کامل حقوق اساسی در جامعه ایجاد شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

پیشنهاد دیگر، افزایش مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های قانونی و سیاسی است. این امر می‌تواند از طریق تقویت نهادهای مدنی و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تعامل میان مردم و مسئولین صورت گیرد. در نهایت، لازم است تا آموزش حقوق شهروندی به‌عنوان یکی



از اصول مهم در برنامه‌های آموزشی کشور مورد توجه قرار گیرد تا شهروندان با حقوق و تکالیف خود آشنا شده و بتوانند از آن‌ها دفاع کنند (هاشمی، ۱۳۸۸).

## فهرست منابع

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). ولایت فقیه و حقوق اساسی. تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). حقوق مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). حقوق بشر در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق اساسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.